

دانشجویان آن آسفت بهانه و غیره داشته  
و اینها را با هم می‌کنند و در آنجا که  
باید بشینند بنشینند و غیره و اینها را

دانشجویان بهانه آنرا بهانه می‌کنند  
و اینها را با هم می‌کنند و در آنجا که  
باید بشینند بنشینند و غیره و اینها را

و اینها را با هم می‌کنند و در آنجا که  
باید بشینند بنشینند و غیره و اینها را

و اینها را با هم می‌کنند و در آنجا که  
باید بشینند بنشینند و غیره و اینها را

و اینها را با هم می‌کنند و در آنجا که  
باید بشینند بنشینند و غیره و اینها را

و اینها را با هم می‌کنند و در آنجا که  
باید بشینند بنشینند و غیره و اینها را

و اینها را با هم می‌کنند و در آنجا که  
باید بشینند بنشینند و غیره و اینها را

و اینها را با هم می‌کنند و در آنجا که  
باید بشینند بنشینند و غیره و اینها را

# موکل شهر کاپیسی

## علامه فاروقه آن

در ژانته هائیکه شهر و باشند گمان آن از نظر مقام و حقوق اهالی دارای  
امتيازات مخصوصی بود اکثر شهرها نظر به معتقدات جمعیت خود در انواع  
یا جامی بنا موکلی داشتند در غالب موارد هر یک و تصویر آن علامه فاروقه

یا نشان آن شهر شمرده میشدند

در مدنیتهای قدیم شرقی ' سومری ' کلدانی ' آشوری ' مصری این  
رسم معمول بود و شهرهایی که از فیض تهذیب کهن شرقی بر خور دار بودند  
عموماً از میان ارباب انواع معموله وقت هر کدام حامی داشتند. مدنیتهای  
امروزه غرب که جانشین مدنیتهای قدیم شرقی است اکثر رسوم و عادات  
قدیمه را بصورت کلی یا جزئی محافظه کرده و به اساسی که ذکر شد بنا از روی  
معتقدات و یا مناسبت بعضی واقعات تاریخی هنوز هم اکثر شهرهای اروپائی  
دارای حامی و علامه فاروقه میباشد. شبهه نمی نیست که اکثر حامی های

امروزه شهرهای اروپائی حواریون و مقدسین آئین مسیحیت است که بیشتر  
از اوائل قرون وسطی باین طرف در انریش آمدهای مختلف نشیت یافته  
و در مسئله شکل علامه فاروقه بعضی شهرها حوادث و پهلوانان تاریخی

و حیوانات و نباتات و بسا چیزهای دیگر دخیل است. مثلاً علامه فاروق شهر  
پاریس کشتی است از همان کشتی‌های قدیمه بادبان دار که روی امواج  
خروشان اوقیانوس غلط می‌زند و در بغل آن به لایسی نوشته شده است «فلو کتیات  
نک امرزی تور» یعنی (روی امواج سیر می‌کنم ولی غرق نمی‌شوم) علامه شهر  
نارنجی روها یا تحت ایتالیا کرک ماده است که «روملوس» و برادرش  
اجداد رومن‌های قدیم از بستان‌های کمال او شیر می‌کنند و قسماً بهند ا.

مقصود از این مقدمه کوچک این است که در اندازه‌هایی که عجلتاً از خلال  
تحقیقات باستان‌شناسی و تاریخی و از زوری مسکو ککات معلوم می‌شود در  
دلتمن خامی و علامه فاروق برای شهرها در آریانا با افغانستان قدیم هم معمول  
بود و اینجادر طی این مقاله موضوع را مربوط به شهر کاپیسی مطالعه می‌کنیم.  
شهر کاپیسی که امروزه در راه‌های آن نام (بگرام) خوب تر شهرت دارند  
و بقایای ویرانه‌های آن به وسیله ۶۰ کیلومتری شمال کابل متصل به نقطه  
المصاق رودخانه‌های بدجشیر و غیره بند افتاده است شهری است که در دوره‌های  
سلطنت یونانو باختری در نیمه اول قرن دوم قبل از مسیح بنیاد و عظمت  
دوره کوشانی برآبادی‌های آن افزوده است چنانچه در عصر کنیشکای پیر  
پایتخت تابستانی امپراطوری وسیعی بود که علاوه بر افغانستان نیمه هند شمالی  
و شمال غربی جزیره آن بنود در اثر حفریات و تحقیقات آتی که  
در سال‌های چندینک معلومی دوم از طرف موسیو آکیر شمن در اینجا بعمل  
آمده است المراد در موضوع بلان اصلی شهر و صورت دفاع و استحکامات و طرز  
آبادی و سبک معماری آن ۵۰ پیش ماروشن متر شده که توضیح آن مقالات دیگر  
می‌خواهد... (تاریخ) (۱) (۲) (۳) (۴) (۵) (۶) (۷) (۸) (۹) (۱۰) (۱۱) (۱۲) (۱۳) (۱۴) (۱۵) (۱۶) (۱۷) (۱۸) (۱۹) (۲۰) (۲۱) (۲۲) (۲۳) (۲۴) (۲۵) (۲۶) (۲۷) (۲۸) (۲۹) (۳۰) (۳۱) (۳۲) (۳۳) (۳۴) (۳۵) (۳۶) (۳۷) (۳۸) (۳۹) (۴۰) (۴۱) (۴۲) (۴۳) (۴۴) (۴۵) (۴۶) (۴۷) (۴۸) (۴۹) (۵۰) (۵۱) (۵۲) (۵۳) (۵۴) (۵۵) (۵۶) (۵۷) (۵۸) (۵۹) (۶۰) (۶۱) (۶۲) (۶۳) (۶۴) (۶۵) (۶۶) (۶۷) (۶۸) (۶۹) (۷۰) (۷۱) (۷۲) (۷۳) (۷۴) (۷۵) (۷۶) (۷۷) (۷۸) (۷۹) (۸۰) (۸۱) (۸۲) (۸۳) (۸۴) (۸۵) (۸۶) (۸۷) (۸۸) (۸۹) (۹۰) (۹۱) (۹۲) (۹۳) (۹۴) (۹۵) (۹۶) (۹۷) (۹۸) (۹۹) (۱۰۰)

خلاصه اینقدر ملتفت باید بود که شهر کاپیسی یا بگرام تا آغاز روی کسار  
آمدن سلاطه برهن شاهان کابل از نقطه نظر تشکیلات اداری عوض کابل  
فعالی مرکز سلطنت‌های جنوب هندوکشی بود.  
موضوع حفریات بگرام و آثار زیاد و متنوعی که از آن بدست آمده چیزی  
است که در طی کتب، رسایل و مقالات درالسنه مختلف نوشته شده و نوشته شده

میرود و همه ازان کم و بیش اطلاع دارند اینجا مربوط به موضوع این مقاله  
 یاد آوری میکنیم که برو فیسرها کن در حفريات های قبل از جنگ و موسیو  
 گرتشمن در طی کاوش ها نیکه در سال های ۱۹۴۱ و ۱۹۴۲ بعمل آورد در میان  
 اشیای نیکری يك عده اشکال کوچک فیل پیدا شده است که در پشت بعضی آن  
 مسکون طرف بشکل جام گذاشته شده است که در داخل موزه کتابل  
 در الماری های دست راست گذاشته شده است. این قبیل های کوچک که از کتی  
 ساخته شده و در آن کوزه پخته گردیده در ظاهر امر در نظر ما مردمان معاصر شیاهت  
 به اشیای بازی اطفال دارد و حتی بعضی از هد فقین هم واقعا آنها را جزو اشیای  
 بازی تصور میکنند ولی در حقیقت امر این نظر تصویری نیست و موضوع  
 نمایش قبیل ادو هیکل سازی و تصاویر از روح معتقدات اهالی کاپیسا نمایندگی  
 میکنند و فیل یاد فیق (ترا) بگوئیم (سرفیل) علامه فارقه است که اسلای قوم و قدرت  
 مؤکل بکی از کتی های کاپیسا را نمایش میکند و مفکوره تقدیس کوه  
 از خاطر های بسیار قدیم باشند که محل جوزف شاداب کوهستان و کوه امان  
 محسوب میشود و در کتی های کاپیسا در کتی های کاپیسا در کتی های کاپیسا  
 با کسی که در کتی های کاپیسا در کتی های کاپیسا در کتی های کاپیسا  
 است که آخرین اقامت خود را در سال ۱۹۳۲ مسیحی در معبد (شالو کیا) (۱) بکر نام  
 را جمع به معتقدات محلی اهالی کاپیسا می نویسند. بطرف جنوب غرب پایتخت  
 کوهی است موسوم به (پی لوسو لو Pi - lo - so - lo) چون مؤکل این  
 کوه بشکل فیل در آمده و آن کوه مذکور را (سیانگ - کین Siang - Kien)  
 میگویند (سیانگ - کین) ترجمه چینی اسم محلی پیلوسارا (Pilousara)  
 است که واضح هر کب از در کلمه (پیل) و (سر) میباشد. . . . امپراتور  
 اشوکا با لای این کوه استوایه نی آباد نمود که بنام مؤکل کوه  
 معروف شده بود. علامه فارقه قیاسی است که از کتی های  
 این مختصر تذکره را نیز چینی نسبت به اصل عقیده اهالی

( ۱ ) موقعیت و بقایای این معبد در بوزة شترک در دامنه شمالی کوه پهلوان در سه کیلومتری  
 شمال شرقی بنگرام کشف شده است. قیاسی که از کتی های کاپیسا در کتی های کاپیسا  
 و در مسکن علامه فارقه بعضی شهرها حوادث و پهلوانان تا ریحی

محلای کابلیسا مهم و نشان میدهند که «قین» چطور بحیث علامه فارقه موکل  
کو در هیکل سازی این علاقه وارد شده است از روی بیانات هیوان - نسنک  
معلوم میشود که اولا معاصر اشو کا یعنی در طی قرن سوم ق م مفکوره فوق  
در معتقدات باشند گمان که پیساده خل بود و بلا شبهه عبراء آن به قرن های  
بسیار قدیم تریب لایمیرود.

هیوان - نسنک چینی موقعیت این کوه را بطرف جنوب غرب پایتخت یعنی  
شهر کابلیسی - بگرام قرار دادند و اعمار معبد بی را که بنام «عبد (پیلوسار)»

یعنی (پیلوسر) معروف بود در دامن آن به اشو کا امیر لطیف و وزیر یا نسیب  
داده است به نظر به موقعیت کوه (پیلوسر) همین ریشه کوه پغمان است که از

سر غورا بند تا پغمان امروزی در افق غربی حوزة اشو کا پیساده خل است و معبد  
مشهور (پیلوسر) به نظریه موسیو فوشه عبارت از «معبد توب دره» است که در

تقریباً به فاصله ده کیلومتری جنوب غرب چار بیکار در دامن کوه آبا بوده  
و استوایه بزرگ آن که از فاصله های دور دست معلوم میشود بزرگتر از این

استوایه است که حال در افق استخوان تشخیص شده است. شبهه نمی نیست که  
معبدی که به امرا اشو کا آبا شده بود معبد بو دائی بود و لسی شهرت

و محبوبیت موکل کوه طور می در اذهان مردمان کابلیسا ادخات داشت که معبد را  
بنام او مسمی ساخته بودند بیشتر که نیم که هم اسمی ها کن هیکل های متعدد دفیل

های کوچک کلمی را از خرابه های بگرام کشف کرده است. موسیو کیر شمن  
با کشف مجدد هیکل مذکور از روی طبقات خرابه ها و محل و موقعیت آن

ملاحظاتی دارد دلچسپ که جنبه نقد س هیکل مذکور را در تمام کابلیسا  
و مخصوص در نزد باشندگان مر کر آن تثبیت میکند. دانشمند اخیرا لیدر

می نویسد در خانه های طبقه سوم یا شهر سوم بگرام هیکل های متعدد دفیل پیدا  
شده است بر پشت یک مجسمه که شخصاً کشف کرده ام ظرفی بشکل جام گذاشته  
شده است و هیکل های دیگری که ها کن کشف کرده است و خوب تر محل فظه  
شده است این حقیقت را تأیید میکند قرار اکثر احتمالات این هیکل های کوچک

جنبه باد بود دینی دارد و وجود آنها در حجره های مخصوص عبادت داخل منازل این نظر به را تأیید میکند شبهه می نیست که قبل در روایات اساطیری بود دایمی نقش مهمی بازی کرده است ولی وجود این هیکل ها در خانه های شهر کجا پیسی و بیاز اختصاص آنها در حجره های عبادت نشان میدهد که ربه النوع کاپسیا و کاپسی که قبل علامه فارسی آن است بکدام اندازه در نزد اهالی مجیب بود و محترم بود (۱)

در نزد کابری و سیوی کبیر شمن چندین مسئله قبل دقت است یکی اینست که وجود هیکل های قبل را در خانه های شهر سوم بگرام ملاحظه کرده و دیگر اینکه در منازل باد بعضی منازل داخل محوطه شهر بگرام از حجره های عبادت حرف نیزند این عبادت کجا قرار یسکه هم برای خود مدقق مذکور در بگرام یکی آنرا ملاحظه کرده ام اطاق های است نسبتاً کوچک مدخل اطاقی که شخصاً دیدم بطرف جنوب و در دیوار سمت شمال طاقی به بلندی یک متر و عرض نیم متریش برآمده و جرد داشت در دو طرف دیوار اطاق در امتداد دیوار ها سکویان سفید می از کمال شایع ساخته شده بود و پهلوی دروازه در دیوار سمت شرقی جای مربع شکلی مطلقاً تنها برای نهادن بعضی خوراکی که باب مقبره که دیده میشود وضعیت عمرانی این اطاق تبعه بلاشبهه ارتباط نرا ایدام و مذهبی ثابت متساوی در این هیکل قبل را دانستند مذکور از همین اطاق بافته است شهر سوم بگرام عبارت از آبادی های است روی خرابه های شهر اولی و دومی که تا زمان رفتن ما درام کرده یعنی آخرین عمرانات بگرام که در عصر کوشانی های اخیر یا کوشانی های کوچک آباد شده بود (۲)

چند صفحه پیش یاد آوری نمودیم که آشوکا امپراطور موریه معبد بزرگی به احترام نام موکل کوه بنام ( پیلوسارا ) ساخت که استویه آن تا حال در نوپ دره باقی است بعد از عصر موریه خاطره های متعدد دیگر تا رپخی اهمیت مقام ربه النوع حامی کوه ( پیلوسر ) را در کاپسیا نشان میدهد.

( ۱ ) گرشن صفحه ۷۳ بگرام تحقیقات باستان شناسی و تاریخی راجع به کوشانی ها  
 ( ۲ ) گرشن به این عقیده است که بگرام بهمدار یعنی هاتر وک شده و شهر بیکه هیوان تستنگ از آن حرف میزند در محل دیگر ملاحظه و سیوی ( غندی ) در جنوب خرابه های فعلی بگرام وقوع داشت

ابو کرانید از پادشاهان یونانو باختری اولین کسی است که به اهمیت مقام و نفوذ هر کل بیابان در کاپیسا فهمیده و از آن با همگی کل زوس رب الارباب یونانی ترا کیمی بمیان آورده است عجیب و دلچسپ که بعد از بعضی شاهان دیگر یونانو باختری عیناً با بامختصر تغییر اصل مفکوره آن را تقلید کرده اند بهر حال اهمیت امر در این است که آشوکا در بنا با ابو کرانید یونانی هر کدام اهمیت روایات محلی را بخوبی درک کرده یکی معبد بودائی را به اسم (پیل سر) زنی کوه‌های کاپیسا معروف ساخته است و دیگری زوس یونانی خود را باره الثوع محلی نزدیک کرده است خلاصه ابو کرانید پادشاه یونانو باختری در یک نوع سکه که در جنوب هند کش احتمالاً در کاپیسا ضرب رسانید زوس را روی آن نقشه نشان میدهد و در دو طرف او نیمه بدن فیل مشاهده می‌شود.

میترو، نازن در کتای موسوم به (یونانی ها در باختر هند) مینسکار د: تسلط ابو کرانیدس بر کاپیسا از روی ضرب سکه مخصوصی معلوم میشود که به شکل مربع در مس ضرب رسیده و به دو زبان نوشته دارد و در آن زوس روی نخستی نشسته و در مضمون خروشتی (به التوج شهر کاپیسی) خوانده شده است (۱) فیل‌هایی که درین مسکو کات نقش هستند خرطوم‌های خود را با نحنائی روبه مقابل بلند کرده اند و ملتفت باید بود که هر یک از این «پیل سر» مسکوفه از بگرام منحصراً به مجسمه‌های گلی است بلکه ها کن در ۱۹۴۰ دو عدد (سرفیل) طلائی هم کشف کرده که هنوز تصاویر و شرح مربوطه آن در کدام اثری نشر نشده و موسسه کیمیاشن با مشاهده آنها در موزه کابل (اطاق بگرام) اظهار عقیده میکنند که وضعیت خرطوم فیل‌های که روی مسکوکات ابو کرانیدس ضرب رسیده عیناً مانند خرطوم سرهای طلائی فیل‌هایی است که ها کن به کشف آنها موفق شده است البته از بگرام مجسمه‌های عاجی فیل‌ها هم پیدا شده و این واقعاً طرز بلند کردن خرطوم‌های فیل‌های طلائی از نقطه نظر شباهت با اشکال فیل روی مسکوکات ابو کرانیدس قابل دقت است و این حرکت خرطوم هم بلاشبهه در نظر اهالی قدیم

کایسا مفهومی داشته باشد. این سرهای طلائی، بلاشبهه بهترین و صحیح ترین نمونه فرقه موکل کوه (پیل سر) است که بصورت (سر پیل) نشان مجلی شهر کایسی و علاقه کایسا بشمار میرفت.

یونانی های باختری با آن دریا (زوس) و (پیل سر) میخوردند و ستمگینان را در ربه النوع کایسا بازنه و این مفسر کرده بود آنها تا یکدرجه عمده میت هم یافته بود زیرا علاوه بر این که آنیدس جانشینان او مثل (Pantaleon) و (Agathocles) این کار کرده اند و در حقیقت مسکوکات آنها تصویر زوس بصورت استاده دیده میشود که در دست خود همگال (Hecate) را که از ایسه سراسر است که فتنه مقیده موسیو گیرشون این نوع تصویر زوس از موقعیت شهر کایسی روی چهارواهی مهم تجلیاتی حکایت میکنند بهر حال عقیده یونانی ها را جمع به ربه النوع کایسی پیش خودشان محترم بود و اهالی مجلی شهر بودند و نموده های کایسا به اساس روایات باستانی خویش موکل شهر و علاقه خود همان زنی کوه پیل سر را میدادند و به این مناسبت او را بصورت قبل طلائی تصور می نمودند و تصویرهای طلائی قبل که در موزه کابل موجود است عیناً طبق روایات قدیمه علاقه فرقه ربه النوع مذکور میباشد.

از روی این تشریحات وجود همگال های طلائی در خانه های اهالی و در قصر شاه و باز پیدایش آنها علی العموم از خجره های عبادت نشان میدهند که باشند گان شهر به احترام و بیاد ربه النوع خود آنرا در خانه های خود محافظه میکردند و طبعاً طبق عقاید وقت در عالم تصورات مذهبی از ربه النوع پیل سر انتظار خیر و برکت را در خانه و خانواده خود داشتند.

ظرفی که در پشت قبل در مجسمه های کلمی دیده میشود شاید برای تقدیم نذر و تحایف بود و احتمال زیاد دارد که اعضای خانواده وقتش بوقت در آن پول یا دیگری چیزها میگذاشتند، بعضی از این مجسمه های کلمی قبل شکسته هم است. بعضی مدققین از همین نقطه نظر آنها را اسباب بازی اطفال تصور میکنند.

احتمال دارد که برای معر فی کر دن ربه النوع به اطفال مجسمه های  
 آنرا برای آنها هم میساختند و ای هر طور باشد جنبه اسباب بازی بودن آنها  
 با نذکرات تاریخی و شهادت مسکوکات و غیره مطالبی که با لا شرح یافت  
 قابل قبول نیست .

خلاصه نتیجه مطالعات فوق چنین میشود که حصص شمالی رشته کوه بغمان

که به غور بند متصل میشود مانند جدار بلند افق غربی جوز ق کاپیسی را  
 محدود ساخته در دوره های قدیم دونیم هزار سال قبل ( احتمال دار در پشته  
 این عقیده به اعصار قبل التاریخ برسد ) نزد عموم باشند گمان این علاقه جنبه

تقدس پیدا کرده بود و موکل کوه مذکور در تصورات اهالی شاید به مناسبت

شکل کوه به فیل یا سرفیل ( ۱ ) بشکل فیل یا سرفیل مجسم نموده باشد  
 بنی معابد بودایی از طرف سلاله موربا و کوشا ( ۲ ) و احترام شاهان یونانی و

باختری ازین ربه النوع و قرار دادن تصاویر آن در مسکوکات و باز کشف

هیكل های طلائی و کلمی او از خانه اهل و قصر های سلطنتی هر کدام بجای

نشود اهمیت عقیده اهالی را به این ربه النوع جامی کوه نشان میدهد و میتوان

اورا حامی کاپیسی و شهر کاپیسی خواند و جادارد که بمناسبت روایات دونیم

هزار ساله ( سرفیل طلائی ) را که تمام معنی علامه فارقه بود نشان کاپیسی

و کل کاپیسی قبول کرد .

احمد علی کمزاد

که شاه ( ۱ ) در باباولی قندهار سکوی به فیل کوه شهرت دارد و واقعاً شایسته زیاد هم

به فیل دارد .

( ۲ ) فراموش نباید کرد که کنیشکاهم پادشاه مارین آسی جنملا در همین نقطه می

که معبد بزرگه توب دره واقع است داستانها دارد که در تاریخ افغانستان جلد دوم

شرح یافته است .